

آچارکشی

انگشت‌ودندان



پوریا عالمی

● این روزها هرجا می‌روی صحبت از انتخابات است. ما هم این چندروز متوجه شدیم توی انتخابات با ما مثل دیوار مهربانی برخورد می‌کنند. یعنی چون نیاز دارند الان، فکر می‌کنند می‌توانند برمان دارند ولی چون تا الان نیاز نداشتند ما را گذاشته بودند به حال خودمان. مثلا توی این چندروز هی زنگ می‌زنند می‌گویند آقا ما از طرف فلانی زنگ می‌زنیم. یک حالی می‌دهی و تبلیغش را می‌کنی؟ ما می‌گوییم استاد شما اول باید یک حالی می‌دادی که الان یک حالی بگیري.

نمی‌شود که دم انتخابات زرتی یاد ما بیفتید. درواقع نسبت هنرمندان و نویسندگان با کاندیداهای انتخابات مثل نسبت انگشت و دندان است. انگشت یک حالی به دندان می‌دهد و پیش را می‌جورد، اما دندان هم باید یک حالی به انگشت بدهد و هربار که انگشت می‌جورده یک دانه برنجی چیزی نصیب انگشت بکند وگرنه انگشت دچار حس ابزاربودگی می‌شود و کلا حال‌دادن را می‌گذارد کنار و دیگر نه‌تنها به دندان، که حتی به گوش هم دیگر حال نمی‌دهد و نمی‌خاراندش.

دست‌برقضا ما دوست هنرنشیه زیاد داریم. این چندروز هی می‌گویند عالمی فلان نماینده زنگ زده می‌گوید عکس ما را بگذار توی اینستاگرامت، چه‌کار کنیم؟ ما گفتیم به آن نماینده بگو تو یک بار به هوای عکس ما آمدی سینما و تئاتر بلیت بخری؟ که الان می‌خواهی بیایی زیر بلیت ما؟

البته الان این‌طوری شده. قدیم موقع انتخابات چلوکباب می‌دادند و ملت راضی بودند. الان منتها از چلوکباب خبری نیست و نماینده مذکور دو روز جلوتر می‌آید توی اینستاگرام و برای آدم کامنت می‌گذارد که آدم را کامنت‌گیر کند. فرداش هم از طرفش یکی زنگ می‌زند می‌گوید فلان نماینده که فالوت می‌کند توقع دارد تو هم فالوش کنی.

خلاصه همچین وضعیتی است. یعنی آدم خیال می‌کند دیوار مهربانی است. یا به دیوار مهربانی آویزش کرده‌اند. مراقب خودتان باشید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱ اسفند ۱۳۹۴ ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷ • ۲۰ فوریه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۲۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۹ • اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنفرها

کارتون خواب

علی میرایی
alimirae@gmail.com



جشنواره حساب‌های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با ۵۵۵ جایزه ویژه



۱۵۵۶ کیلومترا سکناس ۵۰ هزارریالی
معادل ۵۱۵/۵۱۵/۴۷۱ ریال برای ۱۰۰۰ نفر به تساوی

۱۰۰۰ کمک هزینه خرید منابع دستی هر یک به ارزش ۳۰ میلیون ریال
۵۰۰/۰۰۰ جایزه نقدی هر یک به ارزش ۷۰۰ هزار ریال

● آغاز دوره قرعه‌کشی و محاسبه امتیاز از ۱/۱/۱۳۹۴



بانک ملت
bank mellat

www.bankmellat.ir

پشت جلد

عارف،لاریجانی یا حداد؟

برای سنتش رویکرد مجلس آینده است. از این نظر اگر عارف رئیس مجلس آینده شود، معنی‌اش این است که عدد نمایندگان متمایل به اصلاحات از هر گرایشی بالاتر است. اگر لاریجانی رئیس شود به آن معنی است که ائتلافی از اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و اصولگرایان معتدل اکثریت یافته است و اگر حداد‌عادل رئیس شود معنی‌اش این است که فهرست ائتلاف اصولگرایان اکثریت یافته است. جزئیات بیشتر براساس نسبت‌ها مشخص می‌شود. من احتمال چهارمی را در تقسیم‌بندی بالا بعید می‌دانم. مثلا در صورتی که هر یک از سرلیست‌ها یا نامزدهای بالقوه ریاست، شخصا رأی نیاورند احتمالا به معنی شکست جناح متبوعشان هم خواهد بود. صدا البته که هیچ چیز قطعی نیست و ما فقط از احتمالات سخن می‌گوییم.



کریم ارغنده‌پور

درباره انتخابات بحث‌های خوبی شده است. نقطه عزیمت من برای این ارزیابی پیشبرد ماشین دموکراسی است. وقتی سازوکار انتخابات پذیرفته می‌شود باید درباره لوازم آن به آگاهی و مهارت رسید. همین که بحث عدم مشارکت به‌خاطر ناامیدی از دستیابی به بهترین حالت مطرح نیست می‌توان گفت قدم‌ها رو به جلوست. در همین زمینه حضور آگاهانه تک‌تک شهروندان اهمیت می‌یابد و صدا البته که مؤثر و نتیجه‌بخش هم هست ولی طبیعی است که انتظار از ثمربخشی، یک تغییر پرشتاب و بی‌پشتوانه نیست.

گزارش فردا

تولد ۸سالگی یک مرد ۴۶ساله

آزاده شاهسواری

تولدش اردیبهشت است اما این روزها نیز می‌تواند تولدش باشد. شاید کار بدی باشد که خودت را به‌عنوان خواهر یک معناد بهبودیافته به جامعه معرفی کنی و سخت است برای مدتی بیش هم‌صنف‌هایت خجالت بکشی اما گفتن از بهبودی، آن‌قدر قشنگ است که دیگر می‌توانم خودم را معرفی کنم؛ زمانی بود که می‌نشستم به نوشتن برای علی و با اشک‌های ممتد، از آرزوهایم برایش می‌گفتم؛ خطوطی که محدود می‌شد به آرزوی سفر او با یک ماشین معمولی به شاه‌رود و احتمال خوردن میوه با زن و فرزندان کوچکش در اواسط راه، کنار جاده. وقتی نوشتن از آرزوهای عجیبم تمام می‌شد، نامه را به مادر می‌دادم که با یک نگاه زحرم‌برانگیز به او برساند. شاید افراد کمی عمق زجر آرو این آرزوها را بفهمند اما برای خواهرهایی که فرسایش و پوسیدگی رگ‌های برادرشان را از نزدیک می‌بینند، باید احساس مشترکی باشد. اینکه آرزو کنند برادرشان از زیر اعتیاد خوفناک زنده بماند و فقط یک مسافرت آبرومند مثل مردم دیگر برود؛ یک مسافرت اسم برادرم روی کوشی‌ام می‌آید، صورتم را آرام پشت دستانم پنهان کنم و زارزار برای یتیم‌شدن آهسته‌فرزندانش بگیریم. بعضی وقت‌ها هم آرزویم این بود در میهمانی‌ها و مجالس عروسی، او را جا بگذاریم و کسی سراغش را نگیرد یا دست‌کم وقتی حالش بد است و خودش می‌آید، اقوام ملامت‌مان نکنند که بیچاره را برید خانه. روزهایی هم می‌شد که دعا کنیم خدا به شیوه‌ای مصالحه‌آمیز او را از زندگی وحشتناکش راحت کند. دعا برای نبودن برادر، باورکردنی نیست، اما خواهرهای زیادی باید باشند که ناگفته و پنهانی این دعا را برای یک بیمار معتاد زمزمه کنند. به‌هرحال دنیا مکعب کوچکی از مجموعه‌های باورنکردنی است. درعین‌حال که حال این سال‌های برادرم هم باورکردنی نیست. در نیمه‌های بهمن، هشت سال شده است که نام علی را با لبخند روی گوش‌ام ستایش می‌کنم؛ کسی که ماه‌ها به خاطر ترک اعتیاد، شب‌ها و روزهای بسیاری پلک بر هم نگذاشت و از افسردگی شدید و آلام روحی عمیق پس از ترک، جان سالم به در برد؛ کسی که با ماه‌ها گریه و ناله، آرام‌آرام سرش را از انتهای دردناک روبه‌پایین، به اوج قله‌های غرور، بالا برد؛ کسی که هشت سال پیش، مثل امروز همه را جمع و در یک سخنرانی کوتاه اعلام کرد که دیگر مصرف نمی‌کند. مردی که اشک‌های مادر صبورش کنار بارگاه‌ها و مقبره‌های نورانی گل داد و او دوباره متولد شد. مردی که ورزش کرد، کتاب‌های تاریخ ابن‌اثیر و تاریخ طبری خواند، دست پسرها و خانمش را گرفت و به شاه‌رود و دورت‌ها مسافرت کرد، در میانه راه میوه خورد، از لاغری ترسناک و وحشت‌بار راحت شد و سرانجام بازوهایش از جای سوراخ‌های زشت مکرر قرمز و قهوه‌ای، به سطح صاف، گندمی و رشک‌برانگیز بازوان یک مرد قوی تغییر ماهیت داد. این سال‌های علی هersh ساعت ۲۱ تا ۲۲ به دهه معتاد گمنام اختصاص دارد که برود در گوشه‌ای از اتاق‌های بی‌امکانات یک شهرستان معمولی از امکان ترک اعتیاد برایشان صحبت کند. این اواخر هم دوره افتاده بود که یک معتاد درحال‌ترک، حتی پوت غذا ندارد و باید به او کمک کرد.

فکر می‌کنم راه دوری نمی‌رود در کنار تولدهای تقویمی بزرگان فرهنگ و معرفت، چندروزی را هم بگذاریم برای یادکرد تولد بزرگان همت و غیرت. برای تبریک تولد معتادان بهبودیافته. شاید چشم‌های کم‌توان یک برادر نادیده، تبریک‌ها را ببیند و لحظه‌ای در دل او هم جرقه‌ای بزند که می‌تواند یک روز مثل همه مردم دیگر، معمولی و سالم باشد و خانواده‌اش را بعد از سال‌ها سرافکندگی، بالاخره یک روز خیلی ناگهانی سربلند کند. آن‌قدر که بیابند در روزنامه‌ها برایش تولد بگیرند.؛ تولدت مبارک برادرم.

یادداشت

بررسی تأمین هزینه‌های مالی انتخابات

یک بار برای همیشه

تعیین شده است و قوانین دقیق و به‌روزی که در این زمینه تعیین شده این اجازه را به شخص یا سازمانی ه‌وادار نمی‌دهد که تمام هزینه چند صد میلیون دلاری یک کمپین انتخاباتی را راسا متقبل شود. در این زمینه همچنین قاعده مهم افشا وجود دارد. به این معنی که هواداران چه اشخاص و چه سازمان‌ها و نهاده‌ها باید گزارش هزینه‌های انتخاباتی را اعلام کنند. از سوی دیگر خود کاندیداها نیز باید پس از انتخابات گزارش مالی این حمایت‌ها را افشا و تکلیف پول‌های دریافتی را مشخص کنند. مهم‌تر از آن، بیلان مالی انتخاباتی یک کاندیدا یا یک حزب باید به سازمان‌های ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان مالیاتی کشورها، ارائه شود. این قواعد و قوانین حتی درخصوص کاندیداهای مستقل نیز اعمال می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت در دموکراسی‌های قدیمی‌تر و نهاده‌نیده‌در دنیا نحوه تأمین منابع مالی انتخابات و احکام و چارچوب‌های آن تعیین شده و تلاش شده است از این طریق شفافیت مالی منتخبان مردم به حداکثر رسانده شود تا از این طریق شائبه اینکه یک شرکت یا یک سرمایه‌دار بتواند تعداد زیادی نماینده را وام‌دار خود کند یا به‌عبارتی نظام سرمایه‌داری کشور بتواند دولت یا مجلس را در دست بگیرد، حتی‌الامکان از بین ببرد. به بیان دیگر در این کشورها تلاش شده حمایت‌های مالی به سمت جمعیت گسترده‌تری سوق پیدا کند تا با این مشارکت عادلانه و گسترده، نمایندگان مستقل‌تری در مناصب حضور پیدا کنند. متأسفانه این قوانین و قواعد در ایران اجرا نمی‌شود و بنابراین تأمین مالی نامزدها بدون شفافیت صورت می‌گیرد. به همین دلیل همیشه این شائبه وجود دارد که ممکن است گروهی یا مجموعه مالی قدرتمندی بتواند تأثیرگذاری جدی بر انتخابات داشته باشد. به همین دلیل لازم است پس از گذشت ۳۷ سال از انقلاب اسلامی ایران تلاش کنیم بیش‌ازپیش به سمت شفافیت برویم. در این زمینه حتما اصلاح قانون لازم و ضروری است. به‌علاوه گاه قوانین موجود نیز در اجرا و نظارت معطل مانده است و به همین دلیل علاوه بر اصلاح قانون نیاز به اجرا و نظارت دقیق وجود دارد. از سوی دیگر باید تلاش شود انتخابات قشری، گروهی و بدون شناسنامه به سمت انتخابات مبتنی بر احزاب سوق داده شود. زیرا در این صورت نه‌تنها کیفیت انتخابات تغییر خواهد کرد، بلکه شفافیت مالی نیز تأمین خواهد شد.

♦ **نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران**

واکنش

رای‌ندادن، کنشی سیاسی نیست!

لیوتار، بازی‌ها با قواعد یکدست و درعین‌حال سیال همواره در حال پیگیری هستند و برای تأثیرگذاری بر بازی، در مرحله اول باید قواعد بازی را بر بتاییم. متأسفانه ریشه بی‌اعتمادی آن‌قدر در ذهنیت تجربی ایرانیان ریشه دوانده که نتایج لجوجانه و کودگانه‌ای به بار آورده، حال اینکه امروز بیش از هر زمان نیاز به یک انتخاب عقل‌محور داریم و نباید مغلوب نیروهای عاطفی شویم. رای‌ندادن، برخاسته از فوران یک نیروی نشانه‌ای و لیبیدویی است که متأسفانه در حال سازمان‌یابی است. سازمان‌دادن عواطف جمعی می‌تواند انقلاب فکری بی‌ثمری پدید آورد که آجرهای آرام‌آرام چیده‌شده توسط جریان اصلاح‌طلبی را باژگون خواهد کرد. روشنفکری ایرانی ثابت کرده همواره در زیر سیطره گرنش‌های احساسی بوده و از تزریق تفکر تعقل‌مند بازمانده است و حال در این اوضاع رو به بهبود، استفاده‌نگردن از بدیهی‌ترین حق شهروندی یعنی رای‌دادن، بسیار ترجمه‌برانگیز می‌نماید. رای‌ندادن معنسی‌ای جز برهم‌زدن تکیه جناح اصلاح‌طلب بر آرای خود ندارد. آرمان‌شهر را جز با پذیرفتن دلسوزانه اوضاع نمی‌توان تغییر داد و سرپیچی‌های مورس بلاتشوپی رهیافتی به بهبود ندارد و نخواهد داشت.

امیرحسین برمانی: باز هم نزدیک به یک انتخابات شده‌ایم و زمزمه‌ها یا بهتر بگوییم غرولند‌های برخی افراد از قبیل «من رای نمی‌دهم، شروع شده است. البته نمی‌توان از لفظ «شروع» استفاده کرد زیرا این تداوم رویه انتخابات‌های پیش‌تر نیز هست. رای‌ندادن مبدل به یک حرکت ژست‌وار روشن‌فکری شده و به سطح یک شعار مبتذل و کلیشه‌ای رسیده است چراکه علا کنشسی سیاسی محسوب نمی‌شود. در صورتی می‌توان رای‌ندادن را کنش سیاسی قلمداد کرد که جامعه آماری کسانی که از حضور در انتخابات امتناع می‌کنند، رقم شگرفی باشد و نه عده‌ای معدود اما تأثیرگذار بر آمار یک جناح خاص. اکثریت افراد با پیشانی‌نوشت یا عکس فیس‌بوک «من رای نمی‌دهم، اگر رای بدهند یا به عبارتی کنش فعال خود را زنده کنند، بر سرنوشت اصلاح‌طلبی تأثیرگذار خواهند بود و عدم حضورشان در انتخابات ثمری جز یک شکست مضحک اصلاح‌طلبی نخواهد داشت. سرپیچی از قواعد مستقر در یک نظام، امروزه دیگر یک کنش محسوب نمی‌شود. در این مورد اگر نظام را انتخابات بدایم و قواعد را رای‌دادن به یکی از دو جناح، سرپیچی در معنای عدم حضور در انتخابات خواهد بود. در تبیین